

کم اشاره‌ای هست که به خالق منطبق شود، و خدا اجل از آن است که کلمه عشق و شیفتگی درباره او توان بکار برد. نصیب بشر از معرفت الاهی احساس هیبت و تعظیم است و بس» (ص ۱۷۴).

* * *

محمدتقی دانش پژوه

دوازده متن موسیقی

استوری در فهرست خود (۲: ۴۱۱ - ۴۲۲) از شماره ۷۰۱ تا ۷۲۸ و دنباله آنها رویهم ۴۲ دفتر موسیقی برشمرده و برای سالهای ۷۵۲ تا ۹۶۳ هفت رساله یاد نموده است و آنچنانکه من میدانم بسیاری بیش از اینها است (موسیقی نامه‌های من ص ۱۳۰ - ۱۴۸) و این دوازده تا که یاد میکنم رساله‌های بزرگ و ارزنده از میان آنها است.

۱- قطب‌الدین محمود (۶۳۴-۷۱۰) که به نام فیل شاه گیلانی در ۷۰۵ دره التاج لغرة الدباج ساخته و آن خود دانشنامه‌ای است و بخش موسیقی آن مانا گزارشی است بر شرفیه صفی‌الدین ارموی (گفتار شادروان برکشلی در آینده ۶: ۶۴۰) و بهترین دفتر موسیقی ایران است به فارسی و آن را دانشمند اسحق رجبزاده چنانکه در شهر تاشکند به من گفته است به زبان ترکی اوزبکی در آورده است. نسخه‌ای از این فارسی در خاورشناسی این شهر بنام فرهنگستان بیرونی دیده‌ام که تاریخ ۷۰۹ دارد و باید همین نشان‌دهنده پایان سال نگارش آن باشد. (استوری ۲: ۳۵۴) از نسخه‌های دیگر آن یاد کرده است.

۲- شمس‌الدین محمد آملی استاد سلطانیه در روزگار اولجاتیو (۷۰۳ - ۷۱۶) نفایس الغنون فی عرایس العیون خود را در روزگار شیخ ابواسحاق اینجو فرمان روای فارس (۷۴۳ - ۷۵۸) گویند در ۷۳۵ به پایان برده است. بخش دوم آن در حکمت نظری و فن چهارم اصول ریاضی آن در موسیقی است (استوری ۲: ۳۵۵) نسخه‌هایی از آن در شهر باکو و در فهرست تازه کتابخانه شچدرین در فهرست کاستیگوا دیده‌ام.

۳- حسن کاشانی به نام غیاث حسینی در ۷۴۴ کنزالتحف ساخته که فارمر آن را نشناخته و من از خواندن آن پردازنده آن را یافتم و در فهرست فیلمها (۳: ۱۳۱) و

۱۹۳) از آن یاد کرده‌ام. میدانم که سه نسخه‌ای از آن هست و نیویائر هم در گفتار خود بدان اشارت کرده است.

۴- کسمال‌الدین عبدالقادر مراغی (۷۵۴-۸۳۷) را چندین دفتر است به فارسی مانند جامع الالحان ساخته ۸۱۶ و مقاصد الالحان برای شاه رخ (۸۰۷-۸۵۰) در ۸۴۱ و گویند که بیشترین از درة التاج است، همچنین زیده الادوار که نسخه ارزنده سپهسالار از آن از روی نسخه نوشته فتح الله بن ابی یزید شابرانی یا شروانی در روز یک شنبه ۲۶ شوال ۸۴۵ از روی نوشته خود مراغی نوشته شده است. او گزارش نگار الانوار لاعمال الابرار اردبیلی است در فقه حنفی بنام کشف الانوار (کتابداری نهم ص ۲۶۱) و التجرید طوسی و نگارنده المجله در موسیقی به عربی آمیخته با واژه‌ها و ابیات فارسی که بسیار ارزنده است و نسخه‌هایی از آن در پتنه و ترکیه و موزه بریتانیا هست، نسخه کتابخانه ملی از آن بسیار ارزنده است (کتابداری هشتم ۵- ۱۵) نیویائر در دیباچه چاپ عکسی نسخه ترکیه از آن و در گفتار خود در مجله تاریخ علوم اسلامی (در ۱۹۸۴ ش ۱ ص ۲۸۸) از نسخه ملی یاد کرده است.

۵- عبدالعزیز مراغی را نقاوه‌الادوار است بنام محمد فاتح (۸۴۷-۸۴۹ -

و ۸۵۵- ۸۸۶).

۶- خواجه نظام‌الدین کیارستم فرزند سالار فرزند محمد فرزند سالار خوریانی را خلاصه‌الادوار فی مطالب الاحرار است در سال ۸۵۸ که من آن را ندیدم و چیزی درباره آن نمیدانم.

۷- کمال‌الدین (شیر) علی بنائی پسر استاد محمد خان معمار در ۸۸۸ رساله‌ای ارزنده در موسیقی ساخته به فارسی که بنگاه نشر دانشگاهی آن را با دیباچه‌ای چاپ عکسی کرده است همراه با فهرستی از واژه‌ها، افسوس که در آن در فهرست پایان شماره‌های صفحات با خود آن یکی نیست. گویا برگه‌های دیباچه نگاران در هم شده یا اینکه شماره صفحات دگرگون گشته است.

عبدالغنی میرزایف در نگارش خود بنام "بنایی" به لهجه تاجیکی با خط روسی چاپ استالین آباد دوشنبه کنونی در ۱۹۵۷ در ۴۹۱ ص از او و سروده‌های او جستجوی خوب کرده است. من آن را در همان شهر خوانده‌ام او به من گفته بود آن را با خود ببر و به خط فارسی دریاور و چاپ کن. اکنون این بهترین دفتری است درباره بنائی، ولی او از رساله موسیقی بنائی آگاه نبوده و بهمان اندازه بس کرده بود که در مجالس النفایس و تحفه سامی و جز اینها آمده است. او در آن از تحفه‌السرور درویش

علی چنگی خاقانی بندی را درباره او آورده است (فهرست نامها) او در آغاز این دفتر (ص ۹) درباره زاد و مرگ بنائی دو تاریخ ۱۴۵۳ و ۱۵۱۲ (۸۵۷ - ۹۱۸) را آورده و کتاب خود را برای ۵۰۰ سالگی سال زاده شدن او پخش نمود.

۸- جامی (۸۱۷-۸۹۸) را رساله‌ایست در موسیقی که در ۸۹۰ پرداخته و گویا در آن به ادوار رموی می‌نگرد و آن با گزارش روسی و با نشان دادن با رمزهای نوین از بلیایف در تاشکند در ۱۹۶۰ از روی نسخه ۱۸۰۳ فرهنگستان تاشکند نوشته ۹۰۸ عکسی چاپ شده است و آقای حسین علی ملاح آن را از روی همین عکس با گزارشی در مجله موسیقی (ش ۱۰۱ تا ۱۵۷) در ۵ - ۱۳۴۴ چاپ کرده است.

۹- زین‌العابدین پسر محمد پسر محمود حسینی گویا رومی چنگی دانشمندی بوده است به نام امیرعلی شیرنوایی (۸۴۱ - ۹۰۶) در سال ۹۰۶ قانون ساخته است و من آن را در موزه همان نوایی در شهر تاشکند (ش ۴۲) دیده و خوانده‌ام و بسیاری از موسیقی جامی ارزنده‌تر و در ۲۴ باب است. افسوس که از پایان افتادگی دارد ولی شایسته است که آن را به چاپ عکسی برسانند. من در یادداشت‌هایم گزارشی درباره آن گذارده‌ام. این دانشمند استاد خواجه عبدالله مروارید در گذشته ۹۳۲ و شاگرد حسن قطب نایی بوده و در تحفه‌السرور یاد او هست. دانشمند اسحاق رجب‌زاده در "مقام لر مساله سی گادائر" (ص ۱۹ و جاهای دیگر) از این یکی یاد کرده است.

۱۰- محمود پسر عبدالعزیز مراغی و مؤلف محاصل الالحان، مقاصد الادوار یا مختصر الادوار دارد که بنام سلطان سلیمان خان (۹۱۶ - ۹۷۴) گویا هم در ۹۰۸ آغاز کرده و گفته‌اند که آن بنام سلطان سلیم شاه (۹۱۸ - ۹۲۶) است.

۱۱- علی رویانی بنام محمود بهمنی (۸۸۷-۹۲۳) توضیح الالحان ساخته است.

۱۲- عنایه‌الله هروی بنام اکبرشاه (۹۶۳-۱۰۱۴) تحفه‌الادوار ساخته است

(استوری ۲: ۴۱۵ - موسیقی نامه‌های من ص ۱۶۸).

تحفه‌الادوار دیگری هم داریم از الله داد کشمیری بنام سلطان حسین بهادرخان که در منشأالانشاء دیباچه آن هست (بنگرید به گفتار من در هنر و مردم برای این موسیقی نامه‌ها).

در پایان این گفتار از چند دفتر تاریخی درباره موسیقی یاد میکنم:

۱- محیط‌التواریخ از میرزا محمد امین پسر میرزا زمان بخاری کرک یراقچی (۱۱۱۰ - ۱۱۱۴) که نسخه‌ای از آن در لنینگراد هست با نشانه D69 که عکس سه صفحه‌ای از آن درباره نگارگران در "هنر و جامعه در جهانی ایرانی" به فرانسه از

شهریار عدل در ص ۱۲۷ - ۱۳۹ با ترجمه فرانسوی آن آمده است. یکی از دانشمندان ایرانی که افسوس نام او را یاد داشت نکرده‌ام عکس چند صفحه‌ای از نسخه پاریس (بلوشه ۱ : ۴۷۲) آن را به من داده است که در آن از موسیقی‌دانها یاد شده و آن بسیار ارزنده است (استوری ۱ : ۳۷۸ و ۲ : ۱۸ دیباچه، برگل ۱۱۴۳ و ۱۵۰۷ - هفمان ۴ م: ۱۶۹). من از این دانشمند ایرانی بسیار سپاسگزارم.

۲- تحفه السرور درویش علی چنگی، خاقانی ساخته برای امیرفتحی تاشکندی که تاریخ موسیقی‌دانها است و نسخه‌های آن در تاشکند (ش ۴۴۹) و شهر دوشنبه (B264، ۵۷۲) و لنینگراد (D1403) هست. نسخه اصل آن را نزد آقای پولادزاده در شهر سمرقند دیدم و خواندم (نشریه ۹ : ۲۹۴) سمونف آن را در ۱۹۴۶ به روسی درآورده و من این ترجمه را در تاشکند دیده‌ام (استوری ۲ : ۹۱۵ - تاریخ تاریخ فلسفه من ص ۱۷۲) در آن از کمال الدین بنائی و موسیقی او یاد شده است. در مجله صدای شرق که به لهجه تاجیکی به خط روسی است گفتاری است درباره همین دفتر و من آن را توانستم در مسکو بیابم و بخوانم و در یادداشت‌هایم گذارده‌ام.

۳- اطرب الاثار شیخ الاسلام محمد اسعد در گذشته ۱۱۶۶ به ترکی استانبولی (تاریخ تاریخ فلسفه من ص ۱۷۲) که برای پی بردن به تاریخ موسیقی در سرزمین عثمانی بسیار سودمند است.

پس از این از چهار دفتر درباره موسیقی عملی یاد میکنم:

۱- مجموعه ساز و سوز دانشمندی لهستانی بنام آلبرت بابوسکی Albert Babowski (۱۶۱۰ - ۱۶۷۵) که در کودکی گرفتار سپاهان ترک شده و ناگزیر مسلمان گشت و علی‌الافتی نامیده شده و در دربار محمد چهارم (۱۶۴۸ - ۱۶۸۷) میزیسته است. این دفتر در استانبول در ۱۹۷۶ چاپ شده است و به روش اروپائی است و پر است از نشانه‌ها و نوشتار نوین موسیقی کنونی برای مقامها.

۲- اسحاق رجب‌زاده مترجم دره‌التاج که "مقام لر مساله سی گادائر" دارد چاپ ۱۹۶۳ تاشکند و مقامهای موسیقی را با حروف و نشانه‌های نوین نشان میدهد.

۳- افراسیاب بدل بیلی فارسی زبان و از نژاد قاجار در "موسیقی لغتی" به ترکی چاپ ۱۹۶۹ با کوه او هم می‌کوشد مقامها را با نشانه‌های نوین نشان دهد.

۴- ژان دورینگ J. During در "موسیقی ایرانی La Musique Iranienne" چاپ ۱۹۸۴ پاریس که در آن از سازها و افزارهای خنیاگری ایرانی کاوش کرده و نشانه‌ها و

نوشتارهای نوین موسیقی را بکار برده است.

* * *

محمدعلی صادقیان

(یزد)

نگاهی تازه به بدیع

نویسنده: دکتر سیروس شمیسا - انتشارات فردوسی، تهران - ۱۳۶۸

تصور می‌کردم با تألیف و انتشار کتاب جامع «صناعات ادبی» از استاد جلال‌الدین همایی، سخن در مورد چگونگی صنایع لفظی و معنوی بدیعی تمام باشد و این استاد بزرگ در زمینه علم بدیع، گفتنی‌ها را تمام گفته و مجالی برای دیگر سخن‌سنان باقی نگذاشته باشد.

سخن هر چه بایسته بُد گفته‌اند در بحز دانش همه سفته‌اند اما با خواندن کتاب «نگاهی تازه به بدیع» تألیف آقای دکتر سیروس شمیسا، دریافتم که چنین تصویری کاملاً درست نبوده است و هنوز سخنها و مطلبها باقی مانده است که باید دیگران درباره آن بگویند و بنویسند: «یک عمر می‌توان سخن از زلف یار گفت.»

کتاب «نگاهی تازه به بدیع» چنانکه از نامش هم پیداست، در واقع نگرشی تازه است به دانش بدیع و مطالب آن نیز از هر جهت جالب توجه است و برای دوستداران ادب و دانشجویان رشته زبان و ادبیات فارسی، مفید.

شاید این نخستین بار باشد که کسی توجه خواننده را هنگام بررسی صنایع لفظی به مباحث آواشناسی و جنبه‌های صوتی کلمات، جلب کرده و پیوندی میان «بدیع» و «زبان‌شناسی» ایجاد کرده باشد. صنایع بدیعی لفظی و معنوی در این کتاب کاملاً تفکیک گردیده و هر کدام در جای خود ذکر شده است و نوعی آمیختگی که در پاره‌ای از کتب قدما به چشم می‌آید در این اثر راه نیافته است. نویسنده، شواهد و امثال را چون دیگران تنها از شعر و نثر گویندگان قدیم نیاورده، بل از شاعران معاصر و حتی از نوپردازان نیز بهره جسته است. مثلاً در این کتاب، در کنار شعر فردوسی و